

سخنرانی معاون آموزش و پژوهش در بنیاد کوربر آلمان

آقای دکتر آهنی، معاون آموزش و پژوهش وزارت امور خارجه در تاریخ ۱۸ فروردین ماه سال جاری (۱۳۸۸)، به دعوت بنیاد کوربر در نشستی با موضوع داده‌های منطقه‌ای و جهانی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران به ایراد سخنرانی پرداخت. آنچه در پی می‌آید گزارشی از این سخنرانی است:

کشور همسایه در منطقه‌ای قرار گرفته که مهم‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های چند دهه اخیر در آن بروز یافته است. آرزوی دیرینه مردم این منطقه استقرار صلح، آرامش و رفاه است که متأسفانه همچنان راه درازی تا تحقق این آرزو در پیش داریم.

نکته قابل تأمل آنجاست که بخش قابل توجهی از عوامل این بی‌ثباتی و بحران، نه در ظرفیت‌های ناآرامی در خود منطقه، بلکه متأثر از عوامل فرامنطقه‌ای و نتیجه سیاست‌ها و اهداف بازیگران خارج از منطقه است. عوامل فرامنطقه‌ای، هم در شکل‌گیری ریشه‌های بحران و ناآرامی در منطقه و هم در تشدید و تداوم بحران‌ها نقش داشته‌اند و غالباً با دامن‌زدن به اختلافات و حساسیت‌ها و تهدید جلوه‌دادن کشورهای منطقه برای یکدیگر، مانع شکل‌گیری فضای تفاهم و سازوکارهای بومی اعتمادساز

برای اینجانب باعث خوشوقتی است که در این جمع فرهیخته به ایراد سخنرانی و گفت و شنود بپردازم. از بنیاد کوربر به خاطر فراهم نمودن امکان برگزاری این نشست، تقدیر و تشکر می‌کنم. می‌دانم که قبلاً چندین بار شخصیت‌ها و مقاماتی از جمهوری اسلامی ایران در این جلسه حضور یافته و در خصوص ابعاد مختلف سیاست خارجی ایران، وضعیت منطقه و سایر موضوعات مورد علاقه طرفین سخن گفته‌اند.

من تلاش خواهم کرد از زاویه‌ای دیگر به تفسیر و تبیین بحران‌ها و معضلات حوزه پیرامونی کشورم بپردازم. جمهوری اسلامی ایران به نوعی همسایه بلافصل اروپا محسوب شده و این مشترکات جغرافیائی می‌تواند زمینه‌ساز تعامل و رایزنی سازنده ایران و اروپا باشد. شاید لازم به تکرار نباشد که جمهوری اسلامی ایران با ۱۵

و ثبات بخش شده‌اند. بنابراین استقرار صلح و ثبات، بدون بازنگری و تغییر در رفتار و رویکرد این عوامل فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر نخواهد بود.

با نگاهی به وضعیت فلسطین، افغانستان، عراق و سایر معضلات منطقه‌ای، پیامدهای فاجعه‌بار پارادایم حاکم بر سیاست قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قبال منطقه مشاهده می‌گردد. آنچه در جریان شصت سال اشغال فلسطین و محروم کردن مردم آن از حقوق طبیعی خود رخ داده و وضعیتی که امروز در افغانستان شاهد هستیم، به خوبی نمایانگر سیاست برخی قدرت‌های غربی به عنوان عوامل اصلی شکل‌گیری و استمرار این بحران‌هاست. مردم منطقه از تعصب، منفعت‌اندیشی و فقدان نگرش واقع‌بینانه و یا بی‌توجهی و روی گرداندن عمدی از واقعیت‌ها توسط این قدرت‌ها رنج می‌برند.

وخامت اوضاع در منطقه خاورمیانه، نسل‌کشی کودکان و زنان فلسطینی و جنایت علیه بشریت، تشدید افراط‌گرایی و تروریسم و چندبرابری تولید مواد مخدر در افغانستان و آینده نامعلوم این کشور و دردها و رنج‌هایی که مردم عراق در طول سال‌ها اشغال تحمل کرده‌اند، از جمله تبعات سیاست‌های فوق‌الذکر است که شرایط مبهم و نگران‌کننده‌ای را در پیش روی ملت‌های منطقه قرار داده است. بدون تردید بررسی علل و راهکارهای برون‌رفت از این شرایط حائز اهمیت می‌باشد.

تاریخ تحولات منطقه از این نکته حکایت دارد که رویکرد برتری‌جویانه و متعصبانه غرب در قبال دیگران و نادیده گرفتن حقوق آنها، ناکامی خود را به وضوح نشان داده است. بنابراین، بازاندیشی و تغییر بنیادین در پارادایم فعلی حاکم بر جهان ضرورتی حیاتی است. واقع‌بینی، تغییر در رویکردها با کنار نهادن ادبیات زورمحور و چشم‌پوشی از نگرش مبتنی بر دیکته کردن سیاست‌های یک‌جانبه و یک

طرفه به دیگران، توجه و احترام به دیدگاه‌ها و حق طرف‌های مقابل و همچنین تعامل و گفتگو و تفاهم عدالت‌محور با دیگران زمینه‌ساز برون‌رفت از بحران سیاسی بین‌المللی حاکم بر جهان است.

از سوی دیگر باید پذیرفت که معادلات و داده‌های صحنه جهانی دستخوش تغییرات مهمی شده است. بدیهی است آنان که خود را با واقعیت‌ها و شرایط نوظهور روابط بین‌الملل تطبیق ندهند، به حاشیه رانده خواهند شد. در این شرایط، واقع‌گرایی و تلاش برای فهم نظرات و حساسیت‌های دیگران و احترام به آن، کم‌هزینه‌ترین و عملی‌ترین راه جهت تعریف و تعیین جایگاه شایسته خود در معادلات جهان نوین است. ارج نهادن به حقوق ملت‌ها، کنار گذاشتن استانداردهای دوگانه در همه عرصه‌ها به عنوان ابزاری منسوخ و مخرب و آمادگی برای پیشبرد امور براساس محور عدالت و هم‌فکری و مشارکت واقعی با دیگران، اولین گام‌ها در نیل به شرایط مطلوب خواهد بود. در رابطه با مسائل مربوط به منطقه و جمهوری اسلامی ایران باید گفت باتوجه به موقعیت محوری خاورمیانه و خلیج فارس در کانون ژئوپلتیک جهانی و نیز افول قدرت و اقتدار بلامنازع آمریکا پس از جنگ عراق و بن‌بست استراتژی‌های سایر قدرت‌های غربی همزمان با ظهور دیگر بازیگران و قدرت‌های مهم در این حوزه، آرایش صحنه منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر یافته است. این منطقه اکنون در حال گذار به نظم سیاسی جدیدی است که در آن نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران همچون سایر قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بازتعریف خواهد شد.

با بن‌بست نظم پیشین، سازوکارها و ذهنیت‌های حاکم بر آن نظم (یعنی رویکرد سنتی توازن قوا و تقویت قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و تهدید جلوه‌دادن جمهوری

اسلامی ایران) نیز دستخوش تغییر گردیده است. به نوعی که مدیریت بحران‌های منطقه‌ای بدون توجه به نقش اثرگذار ایران میسر نخواهد بود. نفوذ و پیوندهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با کشورهای حوزه پیرامونی، جمهوری اسلامی ایران را به شریک طبیعی کلیه کشورهای منطقه تبدیل نموده است.

به‌رغم تصویرسازی‌های منفی و غیرواقع‌بینانه از جمهوری اسلامی ایران توسط برخی قدرت‌ها و رسانه‌های وابسته طی سه دهه گذشته و تبلیغ کردن تعابیری مانند "هژمونی ایران بر منطقه"، "احیای امپراتوری پارس" و "هلال یا امپراتوری شیعه"، سیاست‌ها و عملکرد جمهوری اسلامی ایران این واقعیت را به نمایش گذاشته است که سرشت قدرت ایران سلطه‌جویانه نبوده و جمهوری اسلامی ایران قدرت و اقتدار خود را در خدمت توسعه، عدالت، صلح، فرهنگ، اخلاق، آزادی و ثبات و امنیت منطقه و جهان قرار داده و متناسب با وزنه و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود همواره با مسؤولیت‌پذیری به عنوان قدرت و بازیگری مثبت‌بخش در تحولات منطقه‌ای رفتار نموده است.

به عبارت دیگر جمهوری اسلامی ایران جاه‌طلبی‌های هژمونیک منطقه‌ای ندارد بلکه قدرت طبیعی این حوزه مهم جغرافیایی محسوب می‌شود که موقعیت و جایگاه حائز اهمیت آن از پیوندهای فرهنگی، معنوی، سیاسی و اقتصادی با کشورهای منطقه سرچشمه می‌گیرد. اروپا نیز می‌تواند در صورت علاقمندی براساس احترام و منافع متقابل جمهوری اسلامی ایران را به عنوان شریکی باثبات و مطمئن برای کمک به حل مشکلات

منطقه‌ای و بحران‌های جهانی و یافتن راهکارهای مناسب قلمداد نماید.

ملاحظه

آقای دکتر آهنی همچنین در این سفر با آقای تیرزه معاون مجلس ملی از حزب سوسیال دموکرات، زیلیبرگ معاون سیاسی وزارت خارجه، وایتسکر رئیس‌جمهور اسبق از حزب دموکرات مسیحی، کلودیا روت رئیس حزب سبز و پرتس رئیس بنیاد علم و سیاست آلمان دیدار و مذاکره نمود. اوضاع بین‌المللی و تحولات منطقه‌ای از منظر جمهوری اسلامی ایران و دورنمای روابط و همکاری‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و دوجانبه ایران و آلمان از جمله همکاری‌های مطالعاتی و پژوهشی تهران و برلین از مهمترین موضوعات و مباحث مورد مذاکره در این دیدارها بود. رئیس بنیاد علم و سیاست آلمان در دیدار خود با آقای آهنی خواستار برگزاری میزگرد مشترک با دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی گردید که مقرر شد با سفر نماینده این بنیاد به تهران و مذاکره با مدیر کل دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، نحوه برگزاری میزگرد مشترک مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

اضافه می‌شود آقای یوهانس رایسنر نماینده بنیاد علم و سیاست پیرو مذاکرات به عمل آمده در نیمه دوم فروردین ماه به تهران آمده و در ملاقات و مذاکره با مدیر کل دفتر مطالعات، درخصوص برگزاری میزگرد مشترک دو مؤسسه در پائیز سال جاری و پس از انتخابات پارلمان آلمان که ترکیب دولت این کشور را مشخص می‌سازد، توافق حاصل شد.